

روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) *

ناصر بهرنگی نیا

(عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه)

وحید شقاقی شهری

(مدرس دانشگاه و دانشجوی دوره دکتری علوم اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس)

چکیده

از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه فراهم آوردن سرمایه به منظور تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری است. با این حال، علی‌رغم روند افزایش حجم ورودی FDI (به صورت مطلق و نیز درصدی از تولید ناخالص داخلی) در کشورهای OIC نگاهی به روند جذب سرمایه‌های خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با سایر کشورها بیانگر عملکرد ضعیف این کشورها در جذب FDI در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است.

بررسی آمار و اطلاعات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در خصوص عملکرد ضعیف این کشورها در جذب سرمایه‌های خارجی و توزیع ناهمگون جذب FDI در بین این کشورها نشان می‌دهد که بی‌ثباتی اقتصادی، تورم بالا، کسری‌های بودجه و بار بدهی‌های خارجی زیاد در کنار مشکلات فرهنگی و اجتماعی برخی از این کشورها مزید علت شده تا بعضی از کشورهای اسلامی در جهت جذب سرمایه‌های خارجی با مشکل مواجه گردند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، تورم، بی‌ثباتی اقتصادی، بدهی‌های خارجی

۱- مقدمه

روند صعودی FDI به کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۹۰ و همزمان عملکرد خوب برخی از کشورهای در حال توسعه از لحاظ رشد اقتصادی در سال‌های اخیر باعث شد که تصور شود که یکی از دلایل رشد اقتصادی، ورود FDI و افزایش آن در این کشورها بوده است.

با این حال در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته نظرات مخالف و موافقی درباره این نوع سرمایه‌گذاری وجود دارد. به نظر مخالفین، این گونه سرمایه‌گذاری‌ها نوعی استثمار اقتصادی و تلاش برای کنترل مجدد مستعمرات قبلی است. علاوه بر این کشور میزبان به کشورهای خارجی وابسته می‌شود. به نظر مخالفین، این شرکت‌ها ممکن است در راه اندازی صنایع کشور میزبان یا آموزش صنعت گران این کشور (با توجه به اینکه کارمندان خود این شرکت‌ها کار را انجام می‌دهند) کوتاهی کنند. گذشته از اینها سرمایه‌گذاران خارجی باعث ورود گونه‌ای از فناوری به کشور میزبان می‌شوند که نه تنها هیچ‌سختی با آن ندارد بلکه برای تأمین منافع شرکت سرمایه‌گذار از نیروی کار و منابع انرژی ارزان صورت می‌گیرد. در مقابل، موافقین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز معتقدند که چون این گونه سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهای غربی نتیجه داده است، پس در نقاط دیگر هم نتیجه خواهد داد. به نظر آن‌ها این گونه سرمایه‌گذاری‌ها اثرات توزیعی مثبت دارند و می‌توان افراد محلی را در شرکت‌های خارجی تعلیم داد (ملکی، ۱۳۸۲).

علی‌رغم نظرات مخالف اشاره شده فراروی سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، استفاده نادرست از منابع مالی خارجی از طریق استقراض و بروز بحران بدهی‌ها در جهان در دهه ۱۹۸۰ و تبعات منفی سیاسی - اقتصادی فزاینده آن سبب شد تا تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با سایر روش‌های تأمین مالی به صورت بهترین روش درآید. همچنین، می‌توان به آثار مثبت و کیفیت بالاتر سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل توأم بودن با انتقال فناوری و دانش فنی، در اختیار داشتن بازار فروش به مراتب وسیع‌تر و مدیریت کارآمدتر اشاره کرد. در بین انواع سرمایه‌گذاری‌ها نیز متداول‌ترین نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی،

توسعه روندی سعودی به خود گرفته و این افزایش به ویژه برای کشورهای توسعه یافته مشهودتر می باشد، بطوریکه در سال ۲۰۰۰ که بیشترین جریان FDI ورودی طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۰ بوقوع پیوسته (حدود ۱۴۰۰ میلیارد دلار)، سهم کشورهای توسعه یافته در حدود ۵۸ درصد کل جریان FDI ورودی جهان برآورد شده است.

علی رغم رشد فزاینده سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰، در طی سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۱، جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی در جهان به ترتیب شاهد کاهش ۴۱ درصدی (سال ۲۰۰۱)، ۱۳ درصدی (سال ۲۰۰۲) و ۱۲ درصدی در سال ۲۰۰۳ بوده است که این کاهش های متوالی در نمودار بوضوح مشاهده می گردد. با این حال، با کاهش جریان FDI ورودی در سال های مورد اشاره، در سال ۲۰۰۴ دوباره شاهد رشد ۲ درصدی FDI ورودی در جهان هستیم.

برای کشورهای توسعه یافته نیز در طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۶ جریان ورودی FDI تا سال ۲۰۰۰ رشد چشمگیری داشته (۵۳/۷ درصد) ولی بعد از سال ۲۰۰۰ روندی نزولی به خود گرفته و در سال ۲۰۰۴ با رشد ۲۵/۴ به ۳۸۰ میلیارد دلار کاهش یافته است. بیشترین رشد FDI ورودی به این کشورها نیز در دوره زمانی ۱۹۹۷-۹۸ (در حدود ۸۰/۷۲ درصد) گزارش شده است و متوسط رشد سالانه FDI ورودی در کشورهای توسعه یافته در طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۶ تقریباً ۳۷ درصد بوده است. همچنین آمارها نشان می دهد که تقریباً ۶۰ درصد FDI ورودی جهان در کشورهای توسعه یافته می باشد.

برای کشورهای در حال توسعه که در حدود ۴۰ درصد FDI ورودی جهان را بخود جلب می کنند روند جریانات FDI ورودی به این صورت می باشد که طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۹۹ رشد سالانه FDI مثبت می باشد ولی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ میزان ورودی FDI کاهش نشان می دهد بطوریکه رشد سالانه FDI ورودی در طی این دوره (۲۰۰۲-۲۰۰۰) بترتیب ۱۳- درصد، و ۲۴- درصد گزارش شده است. همچنین براساس آمار، رشد سالانه متوسط FDI ورودی در طی دوره زمانی ۸ ساله (۲۰۰۴-۱۹۹۶) در کشورهای در حال توسعه تقریباً ۷ درصد می باشد.

در کشورهای صادر کننده نفت الگوی ورود جریانات FDI در طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۶ به این صورت می باشد که در مقطع زمانی ۱۹۹۶-۹۷ رشد مثبت ۳۹/۳ درصدی را داشته، ولی از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ جریان ورودی FDI روند کاهشی به خود گرفته است (رشد منفی ۴۲/۷۳ درصدی) و در دوره (۲۰۰۴-۲۰۰۰) دوباره افزایش سالانه FDI ورودی مشاهده می شود. آمارها نشان می دهد که (۱) بیشترین رشد FDI ورودی در دوره زمانی (۲۰۰۱-۲۰۰۰) بوده (تقریباً ۸۶/۸ درصد) و کمترین میزان رشد نیز در دوره زمانی ۱۹۹۸-۹۹ (تقریباً ۶۲/۱۸- درصد) می باشد. متوسط رشد سالانه FDI ورودی در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۴ نیز رشد مثبت ۱۵/۲۶ درصدی داشته است. (۲) سهم نسبی کشورهای صادرکننده نفت از کل جریان ورودی FDI کمتر از ۲ درصد می رسد.

برپایه جدول شماره (۱)، کشورهای آسیا، آفریقا، و آمریکا در سال ۲۰۰۴ بترتیب ۱۴۷ میلیارد دلار، ۱۸ میلیارد دلار و ۲۲۶ میلیارد دلار FDI را جذب کرده اند که سهم این کشورها از کل جریان FDI ورودی جهان بترتیب برابر ۲۲ درصد، ۲ درصد و ۳۴ درصد می باشد.

در جدول شماره (۲) عملکرد کلی جریان خروجی FDI نشان داده شده است. بر پایه جدول، روند جریان خروجی FDI جهان در طول دوره

زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۶ مثبت بوده است ولی در سال ۲۰۰۱، روند کاهشی پیدا کرده و دارای رشد منفی ۵۵ درصدی نسبت به سال ۲۰۰۰ شده است. ولی از سال ۲۰۰۱ به بعد شاهد رشد بسیار اندک جریان خروجی FDI هستیم بطوریکه تغییرات سالانه جریان خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی طی دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۲ بترتیب ۵ درصد، ۵/۴- درصد، و ۱۸/۳ درصد گزارش شده است. با این حال طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۶ جریان خروجی FDI جهان بطور متوسط رشد سالانه ۱۴ درصدی داشته است. الگوی روند جریانات خروجی FDI در کشورهای توسعه یافته کاملاً منطبق بر روند جریان خروجی FDI جهان می باشد ولی در کشورهای در حال توسعه (علاوه بر رشد منفی جریان خروجی FDI در دوره زمانی (۲۰۰۱-۲۰۰۰) بر خلاف کشورهای توسعه یافته (۱) در بین سال های ۱۹۹۷-۹۸ نیز جریان خروجی FDI رشد منفی ۳۲/۸ درصدی داشته است. (۲) متوسط رشد سالانه FDI خروجی در دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۶ رشد مثبت ۵/۴ درصدی را نشان می دهد که کمتر از رشد متوسط سالانه همین شاخص برای کشورهای توسعه یافته است (۸/۵ درصد).

برای کشورهای صادر کننده نفت آمارها نشان می دهد که (۱) سهم بسیار ناچیزی از FDI خروجی جهان در کشورهای صادر کننده نفت می باشد (کمتر از ۰/۵ درصد) طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۶، در مقاطع زمانی ۱۹۹۸، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بترتیب حجم FDI خروجی منفی ۱۰۵۳، ۲۷۰۵ و ۴۸۲ میلیون دلاری برای کشورهای صادرکننده نفت گزارش شده است. (۳) برخلاف کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه که در دوره زمانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰ بترتیب با رشد منفی ۵۴/۳ درصد و ۶۴/۹ درصدی FDI خروجی مواجه بوده اند، در کشورهای صادر کننده نفت رشد جریانات خروجی FDI در دوره زمانی مذکور در بالاترین مقدار خود در طول سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ (۷۱/۳ درصد) رسیده است. (۴) برای دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۲ نیز جریان FDI خروجی کشورهای نفتی روندی نامنظم داشته و بعد از کاهش شدید طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۲ (از ۲۰۹۵ به ۲۷۰۵- با رشد منفی ۲۲۹ درصدی) شاهد افزایش دوباره جریان خروجی سرمایه ها از کشورهای نفتی هستیم (روند افزایشی خروج سرمایه ها از ۲۷۰۵- به ۴۸۲- میلیون دلار افزایش گزارش شده است).

۴- روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای OIC^(۵)

قبل از اینکه به بررسی روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای اسلامی پرداخته شود، لازم است با ارائه برخی شاخص های مهم اقتصادی به اهمیت و جایگاه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در جهان اشاره شود. سازمان کنفرانس اسلامی جمعیتی حدود ۱/۳ میلیارد نفر را در وسعتی بیش از ۳۲ میلیون کیلومتر مربع دربر می گیرد. از نظر تعداد کشورهای عضو OIC با ۵۷ عضو، یکی از گسترده ترین سازمان های همکاری بین المللی در خارج از سازمان های وابسته به (سازمان) ملل متحد به شمار می رود. (۶) براساس اطلاعات سازمان تجارت جهانی (۲۰۰۵)، از ۵۷ عضو سازمان، ۴۶ کشور در سازمان تجارت جهانی عضویت دارند و تنها ۱۱ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی تاکنون عضو سازمان تجارت جهانی نشده اند که البته تعدادی از این کشورها نیز به عضویت ناظر این سازمان پذیرفته شده اند (WTO، ۲۰۰۵)^(۷) کشورهای OIC در کل به چهار گروه تقسیم می شوند که عبارتند از کشورهای اسلامی با درآمد

فرآیند جهانی شدن اقتصاد (ادغام تدریجی اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌الملل) نقش بزرگی داشته است. براساس جدول شماره (۱)، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان از ۳۸۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ به ۶۴۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ رسیده که افزایش تقریباً ۱/۵ برابری (متوسط رشد ۶/۶۸ درصدی) نشان می‌دهد. کشورهای در حال توسعه در جذب جریان رو به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در این دوره چندان موفق نبوده‌اند. گرچه سهم آن‌ها از ۱۵۲/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ به ۲۳۳/۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ رسیده، ولی سهم نسبی آن‌ها از کل جریان FDI ورودی به کمتر از ۳۵ درصد می‌رسد. با وجود این، افزایش جریان FDI به کشورهای در حال توسعه را می‌توان بازتاب رشد اقتصادی پایدار، آزادسازی اقتصادی (رفع یا تعدیل موانع مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مقررات زدایی از بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و تکیه بر نیروهای بازار در اقتصاد داخلی و همچنین پذیرش استانداردها و قوانینی در رفتار با FDI است) و خصوصی سازی در این کشورها و همچنین پیوند روزافزون این کشورها در برنامه سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی دانست.

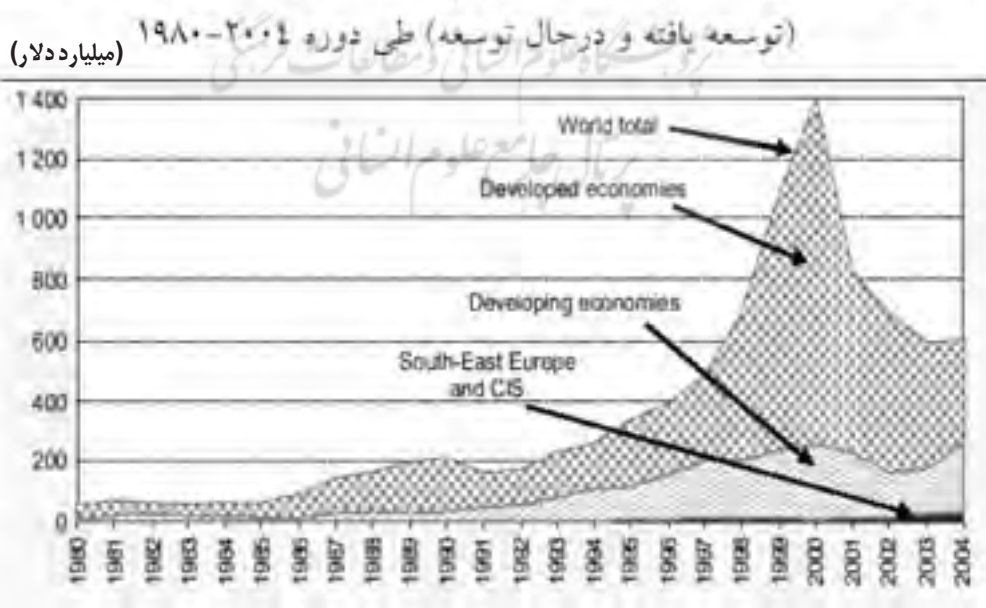
همان‌طوریکه جدول شماره (۱) نشان می‌دهد رشد جریان ورودی FDI در جهان در طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۶ مثبت می‌باشد ولی در سال ۲۰۰۱، با رشدی معادل ۵۰/۷۲- درصد در مقایسه با FDI ورودی سال ۲۰۰۰ کاهش نشان می‌دهد، با این حال آمارها دال بر این است که متوسط رشد FDI ورودی در جهان در طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۶ حدود ۶/۶۸ درصد بوده و بیشترین رشد نیز در مقطع زمانی ۱۹۹۸-۹۹ (در حدود ۵۶/۷ درصد) گزارش شده است.

در شکل (۱) نیز جریان FDI ورودی در جهان و نیز به تفکیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۰ به تصویر کشیده شده است. با نگاهی به نمودار مشاهده می‌شود که از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، جریان FDI ورودی در جهان و نیز کشورهای توسعه یافته و در حال

نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پدید آمد. مشکلات روزافزون ترازپرداخت‌ها و همچنین بحران بدهی‌های خارجی کشورهای در حال توسعه در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در نتیجه کاهش کمک‌ها و وام‌های خارجی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را به ارزیابی دوباره مواضع خود در برابر سرمایه‌گذاری خارجی واداشت و گام‌های اساسی یکسویه در جهت آزادسازی FDI به داخل کشور برداشته شد و در واقع گونه‌ای رقابت برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی میان کشورهای کمتر توسعه یافته پدید آمد. در این میان، در اواخر دهه ۱۹۸۰ شماری از کشورهای در حال توسعه آسیا نیز به گونه‌ای موفقیت آمیز از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بنگاه‌های خارجی به سود راهبرد رشد مبتنی بر صادرات بهره بردند. این کشورها به این مساله پی بردند که که فواید خالص FDI برای کشورهای میزبان، علاوه بر راهبرد بنگاه‌های خارجی، تابعی از سیاست‌های دولت و ظرفیت جذب کشور می‌باشد. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه تشخیص دادند که با در پیش گرفتن سیاست‌های معقول صنعتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند ابزاری عمده برای صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه میزبان باشد.

همان‌گونه که شمار بیشتری از کشورهای در حال توسعه به راهبرد توسعه برون‌گرا (عمدتاً راهبرد رشد مبتنی بر صادرات) علاقه مند شدند، به‌طور روزافزون به جذب FDI نیز تمایل نشان دادند. راهبرد رشد مبتنی بر صادرات بهره‌های زیادی برای این کشورها داشته و حجم روبه رشد صادرات، هم‌فعالیت اقتصادی و هم‌اشتغال را بالا برد و به پیشرفت پرشتاب فناوری و افزایش بهره‌وری منجر شد. همچنین کشورهای میزبان با تأکید بر صادرات از راه پروژه‌های FDI (حتی در مورد کالاهای تازه‌ای که جانشین واردات شده بودند) توانستند فواید خالص برخاسته از FDI را افزایش دهند (کارونی، ۱۳۸۲). افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از عواملی است که در

شکل (۱) - جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و به تفکیک گروه‌های اقتصادی



Source: UNCTAD, FDI/TNC database (www.unctad.org/infostatistics)

کشورهای عضو OIC به عنوان یک مجموعه اقتصادی نیز می‌توان گفت که کشاورزی ۱۴/۸۸ درصد، صنایع ۳۴/۹ درصد و خدمات ۴۳/۸ درصد از کل تولید ناخالص آن را تشکیل می‌دهند (جدول شماره ۴). این نسبت‌ها نشان دهنده تشابه ساختار تولید کشورهای اسلامی به ساختار تولید کشورهای با درآمد پایین و متوسط جهان است (ازوجی و دیگران، ۱۳۷۹). این درحالی است که نگاهی به ساختار تولید کشورهای توسعه یافته و با درآمد بالا و حتی کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که در این کشورها جهت گیری به سمت بخش خدمات بوده است و بطور متوسط ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها از بخش خدمات می‌باشد.

در ضمن توزیع جریانات سرمایه گذاری خارجی بین گروه‌های اشاره شده نشان می‌دهد که طی دو دهه اخیر، در مجموع بیش از ۹۰ درصد کل FDI ورودی به کشورهای عضو OIC در دو گروه کشورهای اسلامی با سطح درآمدی متوسط و کشورهای اسلامی صادرکننده نفت متمرکز شده و تنها ۱۰ درصد FDI ورودی سهم دو گروه دیگر است.

همچنین نگاهی به تولید ملی کشورهای عضو سازمان کنفرانس

متوسط (MICS - OIC)^(۸) کشورهای اسلامی صادرکننده نفت (OIC - OECS)^(۹)، کشورهای اسلامی در حال گذر (TCCS - OIC)^(۱۰) و گروه چهارم، کشورهای اسلامی با حداقل درجه توسعه یافتگی. (OIC - LDGS)^(۱۱) در جداول (۳) تا (۵)، برخی از شاخص‌های اصلی کشورهای OIC و به تفکیک چهار گروه ارائه شده است. با توجه به جدول شماره (۳)، مشاهده می‌شود که کشورهای OIC در طی دوره ۱۹۸۳-۹۲ و سال ۱۹۹۶ بترتیب از رشد اقتصادی ۳/۷ درصد و ۵/۵ درصد برخوردار بوده‌اند که این رشد در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ بشدت کاهش یافته و از ۴/۷ درصد به ۱/۴- درصد رسیده است، ولی در سال ۲۰۰۰ دوباره رشد اقتصادی ۴/۷ درصدی را تجربه کرده‌اند و این رشد اقتصادی طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵ نیز تداوم یافته و شاهد متوسط رشد ۵/۹ درصدی این گروه کشورها هستیم. مقایسه رشد اقتصادی کشورهای عضو OIC با جهان و کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نشان دهنده این واقعیت است که روند رشد اقتصادی در کشورهای عضو OIC برخلاف روند جهانی سطح پایدار و یکنواختی نداشته و تغییرات قابل ملاحظه‌ای داشته است. در مورد ساختار تولیدی

جدول (۳) شرح رشد تولید ناخالص داخلی واقعی (درصد)

میانگین ۵ سال (۲۰۰۰-۲۰۰۵)	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۸۳-۹۲	میانگین
۵/۳	۵	۲/۹	۵/۱	۵/۸	۵/۳	۳/۳	OIC-LDC
۵/۲	۵/۵	۱	-۲/۴	۵/۱	۷/۲	۵/۲	OIC-MIC
۵/۸	۳/۳	-۴/۲	۳/۵	۴/۳	۳/۴	۲	OIC-OEC
۷/۳	۸	۴/۴	۲/۱	۱/۴	۱/۲	-۰/۴	OIC-TC
۵/۹	۴/۷	-۰/۴	۰/۳	۴/۷	۵/۵	۳/۷	OIC
۶/۵	۴/۸	۳/۵	۲/۸	۴/۲	۴	۳/۴	جهان
۶/۱	۴/۱	۳/۴	۲/۷	۳/۵	۲/۹	۴/۳	کشورهای توسعه یافته
۳/۷	۵/۸	۳/۸	۳/۵	۵/۸	۴/۵	۴/۷	کشورهای در حال توسعه

منبع: World Economic Outlook (۲۰۰۵) و محاسبات تحلیلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جدول (۴) ساختار تولید (درصدی از تولید ناخالص داخلی) متوسط دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۴

خدمات	کشاورزی	صنعت	تولیدات کل اقتصادی	جمعیت
۲۷/۴	۲۸/۱	۱۹/۴	۱۰/۳	OIC-LDC
۴۳/۷	۱۵/۹	۳۱/۲	۱۹/۳	OIC-MIC
۳۹/۱	۱۰/۷	۲۴/۲	۸/۱	OIC-OEC
۴۴/۵	۲۱/۸	۲۷/۵	۱۱/۹	OIC-TC
۴۳/۸۰	۱۴/۸۸	۳۴/۹	۱۳/۴۵	OIC
۴۱	۵/۵	۳۳/۵	۲۱/۸	جهان
۵۱/۸۳	۱۳/۲۸	۳۴/۹۰	۲۱/۴۵	کشورهای در حال توسعه
۴۴/۷	۴/۷	۳۲/۴	۲۱/۷	کشورهای با درآمد بالا

منبع: Sesrtcio - www.isdb.org/Publications

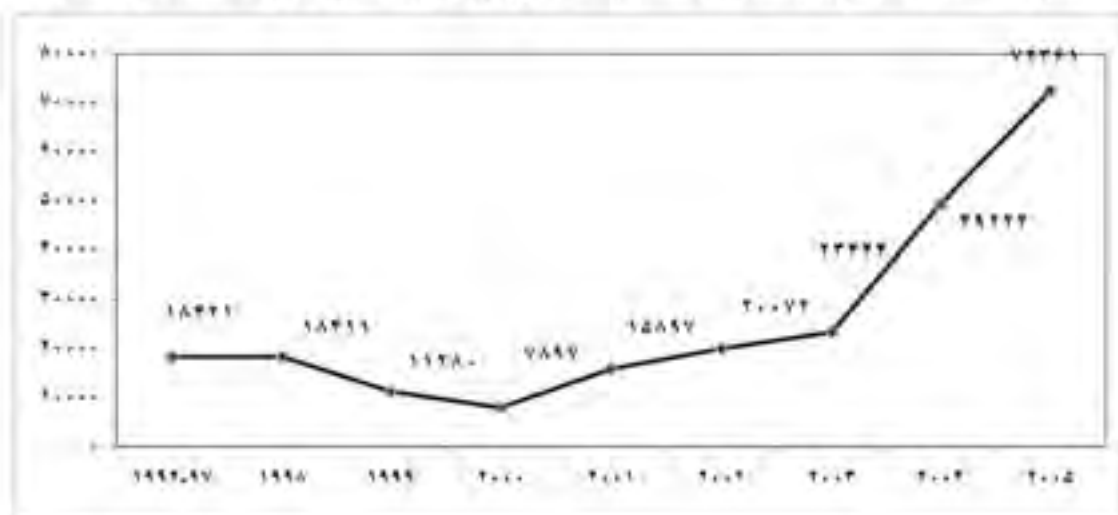
جدول (۱) - جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار)

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۰	۱۹۹۸	۱۹۹۶	۱۹۹۰-۱۹۹۵	منطقه / کشور میزبان
۶۴۸۱۴۶	۶۳۲۵۹۹	۷۱۶۱۲۸	۱۴۹۱۹۳۴	۶۹۴۴۵۷	۳۸۶۱۴۰	۲۲۵۳۳۱	جهان
۳۸۰۰۲۲	۴۴۲۱۵۷	۵۴۷۷۷۸	۱۲۲۷۴۷۶	۴۸۴۳۳۹	۲۱۹۹۰۸	۱۴۵۰۱۹	کشورهای توسعه یافته
۲۳۳۲۲۷	۱۶۶۳۳۷	۱۵۵۵۲۸	۲۳۷۸۹۴	۱۸۷۶۱۱	۱۵۲۶۸۵	۷۴۲۸۸	کشورهای در حال توسعه
۱۵۹۹۴	۱۵۷۶۷	۱۲۱۲۲	۳۴۱۰	۱۴۴۴۲	۱۳۴۰۶	۶۰۴۸	کشورهای صادر کننده نفت
۱۴۷۳۴۵	۱۰۱۴۲۴	۹۲۰۴۲	۱۳۳۷۹۵	۹۶۳۸۶	۹۳۹۹۴	۴۷۷۱۰	آسیا و اقیانوسیه
۱۴۷۳۴۵	۱۰۱۴۲۸	۹۲۰۰۹	۱۳۳۷۰۷	۹۶۱۰۹	۹۳۳۳۱	۴۷۳۲۱	آسیا
۹۸۴۰	۶۵۲۲	۵۶۹۱	۶۸۸	۶۷۰۵	۲۸۹۸	۲۰۹۶	آسیای غربی
۲۴۱۱۹	۱۵۷۴۱	۹۰۳۲	۱۸۹۵	۳۱۵۲	۲۵۹۰	۶۶۲	آسیای مرکزی
۱۳۷۷۰۵	۹۴۷۵۵	۸۶۳۱۸	۱۳۱۱۲۳	۸۶۲۵۲	۸۷۸۴۳	۴۴۵۶۴	آسیای جنوب شرق و جنوب شرقی
۱۸۰۹۰	۱۸۰۰۵	۱۲۹۹۴	۸۶۹۴	۹۰۲۱	۵۸۳۵	۴۳۲۰	آفریقا
۵۲۷۰	۵۲۶۲	۳۸۷۲	۲۹۰۴	۲۷۸۸	۱۴۷۹	۱۵۴۳	آفریقای شمالی
۱۰۲۱۵۲	۶۳۱۸۳	۹۲۸۳۸	۳۶۵۳۶	۳۷۲۴۳	۹۴۰۹۹	۴۷۰۵۸	آمریکای شمالی
۱۰۰۸۹	۹۰۰۲	۵۱۳۳	۹۵۴۰۵	۸۲۰۰۳	۵۲۸۵۶	۲۲۲۵۹	آمریکای لاتین و کارائیب

جدول (۲) - جریان خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار)

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۰	۱۹۹۸	۱۹۹۶	۱۹۹۰-۱۹۹۵	منطقه / کشور میزبان
۷۳۰۲۵۷	۶۱۶۲۳۳	۶۵۲۱۸۱	۱۳۷۹۴۹۳	۶۸۴۰۳۹	۳۹۴۹۹۶	۲۵۳۳۰۲	جهان
۶۳۷۳۶۰	۵۷۷۳۲۳	۵۹۹۸۹۵	۱۲۷۱۲۷۳	۶۳۱۲۹۱	۳۳۲۳۹۵	۲۲۱۰۰۵	کشورهای توسعه یافته
۸۳۱۹۰	۲۹۰۴۶	۴۷۷۷۵	۱۰۴۲۰۷	۵۰۲۵۶	۶۱۳۰۹	۳۲۰۲۱	کشورهای در حال توسعه
-۴۸۲	-۲۷۰۵	۲۰۹۵	۷۰۴	۱۰۵۳	۳۷۱۰	۱۷۵۲	کشورهای صادر کننده نفت
۶۹۴۲۳	۱۷۲۳۹	۳۵۹۸۸	۸۰۹۷۸	۲۹۲۵۸	۵۲۳۵۵	۲۴۸۷۳	آسیا و اقیانوسیه
۶۹۴۲۳	۱۷۲۳۱	۳۵۹۹۴	۸۰۹۴۲	۲۹۱۹۵	۵۲۱۹۰	۲۴۸۰۱	آسیا
-۶	-۳۹۵	۹۱۰	۱۲۶۲	-۱۲۶۲	۲۵۳۳	-۸۴	آسیای غربی
۹۵۹	۱۰۴۴۳	۳۹۲۱	۳۳	۱۷۹	-	-	آسیای مرکزی
۶۹۴۲۹	۲۱۱۸۶	۳۵۰۸۳	۷۹۶۵۷	۳۰۲۷۸	۴۹۶۵۸	۲۴۸۸۵	آسیای جنوب شرق و جنوب شرقی
۲۸۲۴	۱۲۱۵	۴۲۷	۱۴۸۱	۲۰۵۴	۱۴۶۳	۱۹۷۹	آفریقا
۵۱۴	۱۱۵	۲۲	۲۲۸	۳۶۰	۱۰۳	۴۰	آفریقای شمالی
۲۷۶۷۷	۱۴۰۸۵	۱۶۱۷۰۴	۴۱۲۴۶۸	۱۶۵۳۶۲	۹۷۵۲۲	۶۵۰۰۳	آمریکای شمالی
۱۰۹۴۳	۱۰۵۲۳	۱۱۳۵۱	۲۱۷۴۸	۱۸۹۴۴	۷۵۹۱	۵۱۶۹	آمریکای لاتین و کارائیب

نمودار (۳)- روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی به کشورهای OIC (میلیون دلار)



جدول (۶)- سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی به کشورهای OIC از جهان و کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (میلیون دلار)

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷-۹۷	
جهان	۹۱۴۲۷۷	۷۱۰۷۵۵	۵۵۹۵۷۶	۴۷۸۷۵۶	۸۱۷۵۷۲	۱۳۸۷۹۵۲	۱۰۰۸۲۷۵۰	۴۹۰۹۰۵	۳۱۰۸۷۹	
کشورهای توسعه یافته	۵۲۴۲۱۶	۳۹۹۱۴۵	۳۴۴۵۷۳	۲۸۹۹۰۷	۵۷۱۲۸۳	۱۱۰۷۹۸۷	۸۴۸۳۵۲	۳۷۲۵۴۵	۱۸۰۷۵۰	
کشورهای در حال توسعه	۳۲۴۱۸۵	۳۱۵۰۳۱	۱۷۲۰۲۳	۱۵۷۴۱۲	۲۴۶۲۸۹	۲۵۲۴۵۹	۲۳۱۸۸۰	۱۹۳۰۵۵	۱۲۸۵۹۴	
OIC	۵۲۴۲۱	۴۹۲۲۴	۲۳۴۴۴	۲۰۰۷۲	۲۵۸۵۷	۷۸۹۷	۱۱۲۸۰	۱۸۴۱۱	۱۸۴۲۱	
OIC %										
جهان	۷/۹۰	۶/۹۳	۴/۱۹	۳/۹۶	۱/۴۴	-۱/۵۷	۱/۰۴	۲/۴۴	۵/۹۳	
کشورهای توسعه یافته	۱۳/۳۴	۱۶/۳۳	۶/۲۰	۶/۱۰	۲/۷۸	-۲/۷۱	۱/۳۶	۳/۹۰	۱۰/۱۹	
کشورهای در حال توسعه	۲۱/۴۵	۱۷/۹۰	۱۳/۴۲	۳۲/۷۴	۷/۲۲	۳/۱۳	۲/۸۶	۹/۴۹	۱۵/۵۳	

منبع: World Investment Report، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، مطالعات مروری

اندونزی و تایلند) دربرداشته است. (۱۳) همچنین آمارهای منتشره آنکتاد نشان از این دارد که همواره بیش از ۵۰ درصد جریان ورودی FDI در کشورهای OIC مربوط به شش کشور اسلامی جنوب و جنوب شرق آسیاست. در ضمن، نتایج بررسی شاخص نسبت جریان ورودی FDI به تولید ناخالص داخلی کشورهای OIC در طی چهار دوره پنج ساله از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵، نشان می دهد که این شاخص از رشد نوسانی برخوردار بوده و از حدود ۹/۶۶ درصد طی دوره ۱۹۸۰-۸۵ به ۰/۸ درصد در دوره ۱۹۸۵-۹۰ کاهش یافته و سپس مجدداً در دوره ۱۹۹۰-۹۵ با افزایش رشدی معادل ۹/۸۶ درصدی مواجه شده، ولی طی دوره های ۲۰۰۰-۱۹۹۵ و ۲۰۰۵-۲۰۰۰ این رشد کاهش یافته است (جدول ۷ و نمودار ۳).

همچنین در جداول شماره (۶) و (۹) و نمودار شماره (۳)، روند جریان ورودی FDI برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و نیز به تفکیک کشورها در طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۲ آورده شده است. با توجه به آمار اولاً روند صعودی جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در

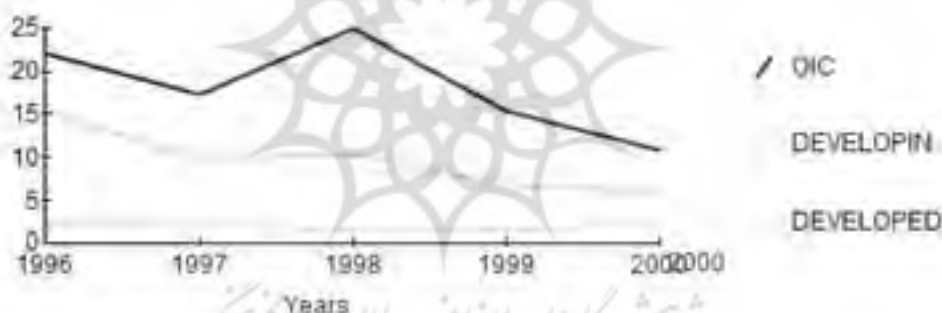
و گابون کمترین حجم FDI ورودی را در طی دوره زمانی مذکور داشتند (جدول (۶) و نجازاده و شقاقی، ۱۳۸۲).

همچنین مطابق آمارهای منتشره آنکتاد، سهم جریان ورودی FDI در کشورهای OIC نسبت به کل جهان از دوره ۱۹۹۲-۹۷ تا سال ۲۰۰۰ همواره کاهش داشته است، بطوریکه این نسبت از ۵/۹۳ درصد در طی دوره ۱۹۹۲-۹۷ به ۰/۵۷ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید، ولی از سال ۲۰۰۰ به بعد شاهد روند صعودی سهم جریان ورودی FDI در کشورهای اسلامی نسبت به جهان هستیم. با این حال سهم این نسبت به کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره مورد بررسی کمتر بوده که دلیل آن نیز، افزایش ورود سرمایه به دیگر کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای جنوب شرقی آسیا بوده است. خصوصی سازی مستمر، رشد اقتصادی پایدار، و همگرایی فزاینده این کشورها با برنامه های سرمایه گذاری شرکت های فراملیتی از جمله دلایلی است که رشد جریانات ورودی FDI را در این کشورها و بالاخص در کشورهای ASEAN (۱۲) (مالزی، فیلیپین، سنگاپور،

جدول (۵) - شاخص های مهم اقتصادی کشورهای عضو (OIC) و مقایسه تطبیقی آن با جهان

تراز تجاری	واردات میلیارد دلار	صادرات میلیارد دلار	تولید ناخالص داخلی سرانه (PPP) دلار	تولید ناخالص داخلی (PPP) میلیارد دلار	(سال ۲۰۰۵)
۳۰۹/۲	۷۳۳/۷	۱۰۴۲/۹	۶۰۵۴	۵۵۴۰/۵	OIC
-	۷/۱۲ درصد	۱۰/۱ درصد	-	۹/۱۴ درصد	درصد از جهان
۳۰	۱۰۳۰۰	۱۰۳۳۰	۸۸۰۰	۶۰۶۳۰	جهان
-۸۴	۱۴۰۲	۱۳۱۸	۲۸۱۰۰	۱۲۱۸۰	اتحادیه اروپا
۱۲۰/۴	۶۳۱/۸	۷۵۲/۳	۶۸۰۰	۸۸۸۳	چین
-۷۹۹/۵	۱۷۲۷	۹۲۷/۵	۴۱۶۰۰	۱۲۳۱۰	آمریکا

نمودار (۲) - متوسط نرخ تورم (تغییرات سالانه شاخص قیمتی مصرف کننده)



FDI ورودی در کشورهای عضو OIC پرداخته می شود. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) به عنوان زیرمجموعه اصلی از کشورهای در حال توسعه قلمداد می گردند، ولی سهم ناچیزی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی به کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده اند. آمارها حاکی از این است که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی توانسته اند تنها ۷۲/۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی را در سال ۲۰۰۵ جذب نمایند که بیشترین حجم جذب FDI ورودی طی دوره ۱۹۹۲-۲۰۰۵ بوده است. با این حال این حجم جذب FDI در مقایسه با دیگر بلوک ها و کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته اروپایی و آمریکایی بسیار پایین می باشد. طبق آمارها طی دوره (۱۹۹۲-۲۰۰۵)، کشورهای OIC بطور متوسط ۱۱/۷۹ درصد FDI ورودی به کشورهای در حال توسعه را جذب کرده اند که در این بین، کشورهایی نظیر مالزی، ترکیه و مراکش از نظر جذب سرمایه گذاری خارجی در مقایسه با دیگر کشورهای اسلامی وضعیت بهتری داشته اند، این در حالی است که کشورهای عراق، یمن، لیبی

اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با متوسط جهانی در سال ۲۰۰۵ نشان می دهد که کشورهای عضو OIC با ۵۵۴۰/۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در حدود ۹/۱۴ درصد از GDP جهان را به خود اختصاص داده اند و متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای عضو OIC در حدود ۶۰۵۴ دلار می باشد که در مقایسه با متوسط جهانی و کشورهای عضو اتحادیه اروپا که بترتیب ۸۸۰۰ و ۲۸۱۰۰ دلار بوده، پایین تر گزارش شده است (جدول شماره ۵).

در نمودار (۲) روند شاخص قیمتی مصرف کننده به عنوان روند تورم در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به تصویر کشیده شده است. همان طور که از اطلاعات نمودار پیداست روند تورم کشورهای OIC طی دهه های اخیر (دهه ۸۰ و ۹۰) بالاتر از روند تورم در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه گزارش شده است. بعد از مروری اجمالی بر جایگاه کشورهای عضو OIC به بررسی روند

جدول (۸) - جریان ورودی FDI در کشورهای OIC به عنوان کشور/ منطقه میزبان (میلیون دلار)

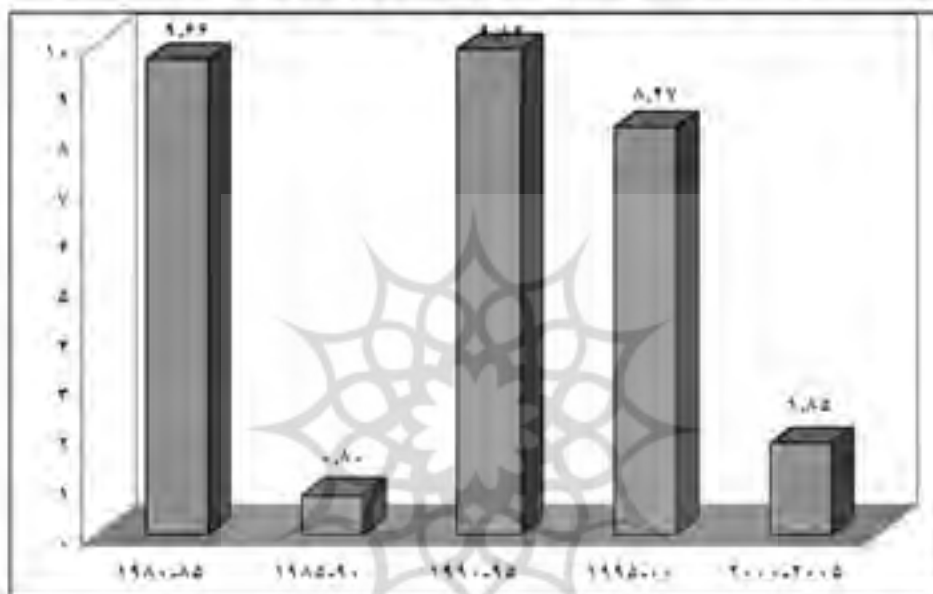
کشور / سال	۱۹۹۲-۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
افغانستان	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱
آلبانی	۵۶	۴۵	۷۱	۱۴۳	۲۰۷	۱۳۵	۱۸۰	۳۳۲	۲۶۰
الجزایر	۹۳	۵۰۱	۵۰۷	۴۳۸	۱۱۹۶	۱۰۴۵	۶۳۴	۸۸۲	۱۰۸۱
آذربایجان	۴۱۹	۱۰۲۳	۵۱۰	۱۳۰	۲۲۷	۱۳۹۲	۳۲۸۵	۳۵۵۴	۱۶۸۰
بحرین	۴۰۴	۱۸۰	۳۵۴	۳۶۴	۸۱	۲۱۷	۵۱۷	۸۴۵	۱۰۴۹
بنگلادش	۳۱	۱۹۰	۱۸۰	۲۸۰	۷۹	۵۲	۱۲۱	۲۴۰	۴۹۲
بوسنی	۲۱	۳۳	۳۸	۵۴	۴۱	۴۱	۵۱	۶۴	۲۱
برونئی	۳۲۷	۵۷۳	۷۶۸	۵۴۹	۵۲۶	۱۰۳۵	۲۰۰۹	۱۲۴۵	۲۰۲۳
بورکینافاسو	۱۰	۴	۸	۲۳	۸	۹	۱۱	۱۴	۱۹
کامرون	۱۹	۵۰	۴۰	۳۱	۷۵	۱۷۶	۲۱۵	۰	۱۸
چاد	۲۷	۲۲	۲۵	۱۱۴	۴۵۳	۱۰۳۰	۸۳۷	۴۷۸	۷۰۵
کومور	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱
ساحل عاج	۲۱۰	۳۸۰	۳۲۴	۲۳۵	۲۷۳	۲۳۰	۳۸۹	۲۸۳	۱۹۲
جیبوتی	۲	۳	۴	۳	۳	۴	۱۱	۳۹	۲۳
مصر	۸۲۰	۱۰۷۴	۱۰۴۵	۱۲۳۵	۵۱۰	۴۴۷	۲۳۷	۲۱۵۷	۵۳۷۴
گابن	-۲۱۰	۱۰۴	-۲۰۵	-۲۲	-۸۸	۲۵۱	۵۳	۳۲۳	۳۰۰
گامبیا	۱۴	۲۴	۴۹	۴۶	۳۵	۴۳	۴۰	۲	۲۴
گینه	۱۱	۱۸	۶۳	۱۰	۲	۳۰	۸	۳۸	۱۰۳
گینه بیسائو	۴	۴	۹	۱	۱	۱	۲	۲	۱۰
گوآتاما	۹۰	۴۷	۴۸	۹۷	۵۶	۴۴	۲۴	۳۰	۷۷
اندونزی	۳۵۱۸	-۲۴۱	-۱۸۴۴	-۴۵۵۰	-۲۹۷۷	۱۴۵	-۵۹۷	۱۸۹۴	۵۲۴۰
ایران	۵۲	۲۴	۳۵	۳۹	۵۵	۲۷۴	۱۲۰	۱۰۰	۳۰
عراق	۲	۷	-۷	-۳	-۴	-۲	۰	۹۰	۳۰۰
اردن	۴۷	۳۱۰	۱۵۸	۷۸۷	۱۰۰	۵۴	۳۷۹	۴۵۱	۱۵۳۲
قرقیزستان	۹۰۹	۱۱۵۱	۱۴۷۲	۱۲۸۳	۲۸۳۵	۲۵۹۰	۲۰۴۸	۴۱۱۳	۱۷۳۸
کویت	۷۰	۵۹	۷۲	۱۴	-۱۴۷	۷	۴۷	۲۴	۲۵۰
قرقیزستان	۵۵	۱۰۹	۴۴	-۲	۵	۵	۲۵	۱۷۵	۴۷
لیتوان	۵۲	۲۰۰	۲۵۰	۲۹۸	۲۴۹	۲۵۷	۳۵۸	۴۴۲۴	۳۹۴۷

جدول (۷) - جریان ورودی FDI به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای (OIC)

مناطق	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵
کشورهای عضو کنفرانس اسلامی	۵/۱۴	۸/۱۵	۸/۴۸	۱۳/۵۷	۲۰/۱۹	۲۲/۱۳
جهان	۶/۷	۸/۴	۹/۳	۱۰/۳	۱۹/۴	۲۲/۳
کشورهای توسعه یافته	۴/۹	۴/۴	۸/۴	۸/۹	۱۶/۵	۱۸/۷
کشورهای در حال توسعه	۱۲/۴	۱۴/۴	۱۶/۸	۱۶/۴	۳۱/۱	۳۶

منبع: World Investment Report, ۲۰۰۳

نمودار (۸) - رشد متوسط FDI ورودی (به تولید ناخالص داخلی) در کشورهای (OIC)



۵- نتیجه گیری

از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه فراهم آوردن سرمایه به منظور تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری است. با این حال، علی‌رغم روند افزایش حجم ورودی FDI (به صورت مطلق و نیز درصدی از تولید ناخالص داخلی) در کشورهای OIC نگاهی به روند جذب سرمایه‌های خارجی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با سایر کشورها بیانگر عملکرد ضعیف این کشورها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است.

مقایسه رشد اقتصادی کشورهای عضو OIC با جهان و نیز کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نشان دهنده این واقعیت است که روند رشد اقتصادی در کشورهای عضو OIC برخلاف روند جهانی سطح پایدار و یکنواختی نداشته و تغییرات قابل ملاحظه‌ای داشته است. تغییرات شدید رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو OIC که به منزله بی‌ثباتی اقتصادی این کشورها قلمداد می‌گردد، یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده در جذب سرمایه‌های خارجی به حساب می‌آید. آمارهای منتشره آنکتاد

کشورهای عضو OIC کاملاً مشاهده می‌شود بطوریکه در سال‌های اخیر (۲۰۰۳-۲۰۰۵) حجم سرمایه‌های خارجی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و از ۲۰ میلیارد دلار به حدود ۷۰ میلیارد دلار رسیده است. این روند افزایشی در حجم ورودی FDI (درصدی از تولید ناخالص داخلی) در کشورهای OIC نیز مشاهده می‌شود بطوریکه از ۸/۴۸ در سال ۱۹۹۰ به ۲۲/۱۳ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. همچنین در میان کشورهای عضو OIC، کشورهایی نظیر مالزی، ترکیه، قزاقستان، مصر، الجزایر و آذربایجان از نظر جذب سرمایه‌های خارجی در سال‌های اخیر (۱۹۹۲-۲۰۰۵) در مقایسه با دیگر کشورهای اسلامی وضعیت بهتری داشته و بایباده سازی سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، تثبیت وضعیت مالی و اقتصادی، فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم و شرکت در موافقتنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی توانسته‌اند سهم بیشتری از FDI را در بین کشورهای اسلامی به خود اختصاص دهند، این در حالی است که کشورهای کومور، گینه بیسائو، سیرالئون، سومالی، نیجر کمترین حجم FDI ورودی را در طی دوره زمانی مذکور داشتند.

بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متقابل با کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی" با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه انجام شده است.

Joint - Venture

Marjit .S. 2001.

نیلی، مسعود، راهبرد توسعه صنعتی کشور، خرداد ۱۳۸۲

United Nation, World Investment Report,

New York and Geneva, 2001, pp.275-276.

Organization Islamic Conference

IMF and SESRTSIS Publication (2001).

WTO, 2005a, Annual Report 2000, WTO Publications ,

Geneva, 2005.

OIC Middle income countries

OIC Oil - exporting countries

OIC Countries in Transition

Least Development Countries

Association of South East Asian Nations (ASEAN).

Paul M.Dickie and Xiaoqni Fan, 2000.

نشان می‌دهد که همواره بیش از ۵۰ درصد جریان ورودی FDI در کشورهای OIC مربوط به شش کشور اسلامی جنوب و جنوب شرق آسیاست که توانسته‌اند در کنار اجرای برنامه‌های خصوصی سازی، رشد اقتصادی پایداری را تجربه کنند و پیامد چنین سیاست‌هایی نیز جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های خارجی در بین کشورهای عضو OIC است.

در بخش مالی نیز اکثر کشورهای عضو OIC همچون کشورهای در حال توسعه در اغلب سال‌ها با افزایش کسری‌های مالی (بودجه) مواجه بوده‌اند. لذا استقراض از بانک مرکزی در جهت رفع کسری بودجه باعث افزایش تورم در این کشورها شده که اثر منفی بر جذب FDI داشته است. همچنین در زمینه بدهی‌های خارجی نیز کشورهای عضو OIC در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته وضعیت نامطلوب تری داشته‌اند، بطوریکه در طی سال‌های اخیر متوسط بار بدهی خارجی کشورهای اسلامی (۴۴ کشور عضو) (درصدی از تولید ناخالص ملی) در حدود ۷۰ درصد بوده که رقم قابل ملاحظه‌ای است.

در ضمن به منظور افزایش جذب FDI به سمت کشورهای اسلامی علاوه بر تلاش در جهت کاهش اتکا به درآمدهای ناپایدار و حرکت در راستای ایجاد ثبات اقتصادی و اجرای سیاست‌های انضباط مالی و پولی برای کنترل و کاهش تورم و بدهی‌های خارجی، افزایش مبادلات تجاری و اجرای سیاست‌های مناسب بازرگانی نظیر کاهش تعرفه‌ها و آزادسازی بازرگانی خارجی نیز می‌تواند تا حدودی در جلب سرمایه‌های خارجی در کشورهای اسلامی راهگشا باشد. در کنار عوامل اقتصادی عنوان شده، مشکلات فرهنگی و اجتماعی این کشورها نیز مزید علت شده تا در جهت جذب سرمایه‌های خارجی با مشکل مواجه گردند. همچنان که عنوان شد این مشکلات حتی در الحاق برخی از اعضای کشورهای اسلامی در سازمان تجارت جهانی نیز آشکارا نمایان می‌شود. ناامنی‌های بوجود آمده در منطقه خاورمیانه و عدم ثبات سیاسی کشورهای عضو از دیگر مشکلات فراروی این کشورها قلمداد می‌شود.

با توجه به مطالب عنوان شده، در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی، اجرای سیاست‌های صحیح پولی و مالی، اعمال سیاست‌های آزادسازی تجاری و کاهش کسری‌های مالی می‌تواند در بهبود وضعیت کشورهای اسلامی در جهت جذب سرمایه‌های خارجی مؤثر واقع شود. البته ناگفته نماند که کشورهای عضو OIC در کنار آزادسازی اقتصادی و تجاری باید با درایت کامل به اجرای سیاست‌های صحیح پولی و مالی نیز توجه داشته باشند تا در این مسیر با مشکلات احتمالی مواجه نگردند.

منابع

ملکی، مهران، بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.

نیلی، مسعود، راهبرد توسعه صنعتی کشور، خرداد ۱۳۸۲.

IMF, *World Economic Outlook*, Washington, DC., USA, May 2005.

Paul M.Dickie and Xiaoqni Fan, "The Contribution of Foreign Direct Investment to Growth and Stability: A Post Crisis ASEAN-5 Review", *ASEAN Economic Bulletin*, 2000, Vol 17, No.3.

www.isdb.org/Publications

World bank, *World Investment Report*, 2003.

WTO, 2005a, Annual Report, WTO Publications, Geneva 2005.

UNKTAD, *FDI Policies for Development National and International Perspectives*, United Nation, 2005.

پی‌نوشت‌ها:

* Organisation Islamic Conference

این مقاله برگرفته از طرح "الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و اثرات آن

۲۶۱	۲۳۵۴	۰	۳	۸	۲۱	۲۷	۱۹۰	۷	لیبی
۳۹۶۷	۲۹۲۴	۲۲۷۲	۳۲۰۳	۵۵۴	۳۷۸۸	۳۸۹۵	۲۷۱۴	۵۸۱۶	مالدیو
۱۴	۱۵	۱۲	۱۲	۱۲	۱۳	۱۲	۱۲	۸	مالدیو
۱۵۹	۱۰۱	۱۲۹	۱۰۲	۱۰۴	۷۸	۱	۹	۳۷	مالی
۱۱۵	۵	۲۱۴	۱۱۸	۹۲	۴۰	۱	۰	۶	موزمبیک
۲۹۳۳	۱۰۷۰	۲۲۷۹	۴۸۱	۲۸۲۵	۲۱۵	۸۵۰	۴۱۷	۵۵۱	مراکش
۱۰۸	۲۴۵	۳۳۷	۱۵۵	۲۵۵	۱۳۹	۳۸۲	۲۳۵	۴۴	موزامبیک
۱۲	۲۰	۳۱	۸	۲۶	۹	۰	-۱	۱۳	نیجر
۳۴۰۳	۲۱۲۷	۱۲۰۰	۱۳۸۱	۱۱۰۲	۹۳۰	۱۰۰۵	۱۰۵۱	۱۴۰۲	نیجریه
۷۱۵	۲۰۰	۱۳۸	۲۳	۸۳	۱۶	۳۹	۱۰۱	۷۹	عمان
۲۱۸۴	۱۱۱۸	۱۴۰۵	۸۲۳	۳۸۵	۳۰۵	۵۴۰	۵۰۷	۵۷۷	پاکستان
۰	-۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	فلسطین
۱۴۶۹	۱۱۹۹	۴۰۰	۹۳۱	۲۹۶	۲۵۲	۱۱۳	۳۲۷	۱۸۲	قطر
۴۶۲۸	۱۹۴۲	۲۰۸	-۴۱۵	۲۰	-۱۸۸۳	-۷۸۰	۴۲۸۹	۲۸۰	عربستان
۵۴	۷۷	۷۸	۵۴	۳۹	۶۲	۱۴۲	۴۰	۵۱	سنگال
۲۷	۲۶	۸	۴	۲	۵	۶	-۱۰	۲	سیرالئون
۲۴	۲۱	۱	۰	۰	۰	-۱	۰	۱	سومالی
۲۳۰۵	۱۵۱۱	۱۳۴۹	۷۱۳	۵۷۴	۳۹۲	۳۷۱	۳۷۱	۳۵	سودان
۴۱	-۳۷	-۹۲	-۷۴	-۲۷	-۹۷	-۲۴	۳۸	-۲۰	سورینام
۵۰۰	۲۷۵	۱۵۰	۱۱۵	۱۱۰	۲۷۰	۲۶۳	۸۳	۱۰۸	سوریه
۵۴	۲۷۲	۳۲	۳۶	۹	۲۴	۲۱	۲۵	۱۳	تاجیکستان
۴۹	۵۹	۲۰	۵۳	۷۱	۶۸	۲۹	۱۹	۱۰	تورگو
۷۸۲	۶۳۹	۵۸۴	۸۲۱	۴۸۶	۷۷۹	۳۴۸	۴۶۸	۴۵۷	تونس
۹۶۸۱	۲۸۳۷	۵۷۵	۱۰۳۸	۳۲۶۶	۹۸۲	۷۸۳	۹۴۰	۷۵۰	ترکیه
۴۲	-۱۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۷۰	۱۲۶	۱۲۵	۶۲	۱۲۶	ترکمنستان
۱۲۰۰۰	۸۳۵۹	۴۸۰	۸۳۴	۱۱۸۴	-۵۱۵	-۹۸۵	۲۵۸	۲۵۴	امارات
۲۵۸	۲۲۲	۲۸۳	۲۶۹	۲۲۹	۲۷۵	۲۲۲	۲۱۰	۹۵	اوگاندا
۴۵	۱	۷۰	۶۵	۸۳	۷۵	۱۲۱	۱۴۰	۶۱	ازبکستان
-۲۶۶	۱۴۴	-۸۹	۱۰۲	۱۳۶	۶	-۳۰۸	-۲۱۹	۲۰۳	بحرین

مأخذ: بانکاد (۲۰۰۴ و ۲۰۰۶)

کشورهایی است که می‌توانند نقش تکمیلی در اقتصاد بین‌المللی ایفا کنند. بسیاری از اقتصاددانان به جهانی شدن اقتصاد اعتقاد دارند. آنان معتقدند که هر قدر مقیاس بازار جهانی تر باشد، تخصیص منابع کارآمدتر خواهد بود، به طوری که بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی دو دهه گذشته کشورهای دارای اقتصاد باز و آزاد، حداقل دو برابر بیش از اقتصادهای بسته رشد کرده‌اند. (۳)

سازمان جهانی تجارت تنها نهاد بین‌المللی است که با وضع قواعد و مقررات، با قانون‌مند کردن تجارت بین کشورهای سروکار دارد. هدف این سازمان ایجاد ثبات در مقررات مربوط به تجارت است تا از این طریق تجارت بین کشورهای حتی‌المقدور روان تر و کم‌هزینه‌تر انجام شود.

WTO محلی است برای بحث راجع به اختلاف نظرها در مورد تجارت، به طوری که دو طرف از منافع تجارت بهره‌مند شوند و احتمال بروز اختلاف‌های تجاری را به حداقل برسانند. از آن گذشته تجارت باعث رشد اقتصادی و افزایش درآمد می‌شود و کشورهای و مردمی که از وضع مالی بهتری برخوردار هستند کمتر به جنگ و خشونت تمایل خواهند داشت. بدین ترتیب است که سازمان WTO با تسهیل جریان تجارت و فراهم آوردن مرجعی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات تجاری به برقراری صلح کمک می‌کند. تجارت همچنین باعث می‌شود که منابع محدود به طرز موثر صرف تولید شوند و لذا نوعی تقسیم کار بهینه بین کشورهای ایجاد شود. در نظام WTO، رانت جویی و فساد که هزینه بسیار زیادی در بر داشته و در مجموع رفاه اقتصاد ملی را از بین می‌برد، به حداقل ممکن کاهش می‌یابد. با آزادسازی و برقراری نظام مبتنی بر عوامل بازار، امکان فعالیت‌های فساد جویانه از بین می‌رود. هر چند کارنامه WTO چندان با آرمان‌های بلندمدت بین‌المللی و توقعات کشورهای مختلف سازگار نیست و باورها در مغایرت با دموکراسی، محیط زیست و حقوق بشر قرار گرفته است اما بسیاری از صاحب نظران بین‌المللی بر این باورند که خلاء ناشی از عدم وجود چنین سازمانی مشکلات بیشتری را پیش روی جامعه جهانی به تصویر خواهد کشید. برخی آن را به پارادوکسی تشبیه کرده‌اند که آثار منفی آن خصوصاً در کشورهای در حال توسعه بر آثار مثبت پیشی گرفته و باعث حذف برخی از بنگاه‌ها در این کشورها و ایجاد بحران‌های بیکاری شده است. اما در عین حال عده‌ای نیز بر این اعتقادند که حتی اگر در کوتاه مدت عواقب منفی عضویت در سازمان قابل توجه باشد اما در بلندمدت به سالم سازی تولیدات بنگاه‌ها و بهینه سازی منابع منجر خواهد شد.

۳- اهداف و اصول سازمان جهانی تجارت

اهداف اصلی سازمان تجارت جهانی که در واقع تداوم اهداف گات بود عبارتند از: ارتقای سطح زندگی، تأمین اشتغال کامل در کشورهای عضو و توسعه تولید، تجارت و بهره‌وری بهینه از منابع جهانی، دستیابی به توسعه پایدار با توجه به بهره‌برداری بهینه از منابع جهانی، حفظ محیط زیست و افزایش سهم کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از رشد تجارت بین‌المللی. متناسب با همین اهداف، سازمان جهانی تجارت به مدیریت و تحصیل عملیات اجرایی و توسعه اهداف موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت و تهیه چارچوب لازم برای اجرای مدیریت موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه می‌پردازد. سازمان جهانی تجارت بر چند اصل مهم مبتنی است که عبارتند از:

- ۱- اصل عدم تبعیض در رابطه با مسائل ملی
- ۲- عدم استفاده از محدودیت‌های کمی در تجارت؛ ممنوعیت سهمیه بندی و صدور پروانه واردات و حمایت از صنایع داخلی فقط از طریق تعرفه‌های گمرکی شفاف.
- ۳- کاهش و تثبیت تعرفه‌های گمرکی و حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای.
- ۴- هرگونه عمل کشورهای عضو که جنبه دامپینگ داشته باشد ممنوع است.
- ۵- انجام مشورت در مورد سیاست‌های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره.

۴- ضرورت الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت

برخی از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت نرخ تعرفه گمرکی جداگانه‌ای برای کشورهای غیر عضو اعمال می‌کنند که چندین برابر نرخ تعرفه‌ای است که برای اعضای سازمان جهانی تجارت در نظر گرفته‌اند. همین عامل باعث دشوارتر شدن رقابت برای کشورهای غیر عضو شده و اقتصاد و تجارت آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. لذا با توجه به این توضیحات می‌توان دلایل زیر را برای ضرورت الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر شمرد:

- ۱- جلوگیری از تبعیضی که عملاً برای کشورهای غیر عضو توسط کشورهای عضو سازمان اعمال می‌شود.
 - ۲- لزوم برقراری هماهنگی لازم بین مقررات و قواعد ملی با قواعد و مقررات همه گیر شده WTO
 - ۳- جلوگیری از تحمیل انزوای اقتصادی و تجاری به کشور
 - ۴- برقراری فرصت‌های مناسب برای عوامل فعال در اقتصاد کشور در بازارهای خارجی
 - ۵- ایجاد شرایط لازم برای شکایت علیه تحریم‌های اقتصادی و تجاری اعمال شده علیه ایران
 - ۶- ضرورت ایجاد شفافیت و ثبات در مقررات داخلی، حذف زمینه‌های انحصاری و سوق دادن کشورها به سمت رقابت و افزایش توان رقابتی در داخل کشور.
- موضوع پیوستن ایران به این نهاد بین‌المللی چندین سال است که در ایران مطرح شده و پس از بررسی‌های کارشناسی و جمع‌آوری آراء مخالف و موافق، لزوم الحاق به WTO اکنون به یک باور ملی تبدیل شده به نحوی که تقاضای عضویت ناظر ایران مورد تأیید قرار گرفته است و از تاریخ پنجم خرداد ۱۳۸۴ ایران به عنوان عضو ناظر در سازمان جهانی تجارت (WTO) حضور دارد.

۵- آشنایی با صنایع غذایی

صنایع غذایی مثل سایر علوم یک رشته نسبتاً مستقلی نیست که بتوان آن را به تنهایی تعریف کرد، بلکه ترکیبی است از بسیاری از علوم پایه و علمی مانند شیمی، مهندسی تغذیه، اقتصاد و مدیریت که با استفاده از آن‌ها کنسرواسیون غذا و پخش و انبارداری صحیح آن صورت می‌پذیرد. (۴)

صنایع تبدیلی غذایی از طلوع زندگی اجتماعی بشر بخشی از فعالیت‌های روزمره بوده که به صورت ابتدایی در خانواده در کنار فعالیت‌های